

بازشناسی وضعیت رجالی احمد بن هلال عبرتایی

_____ البرز محقق گرمفی^۱ - سیّد علی سجادی زاده^۲ - سیّد علی دلبری^۳ _____

چکیده

بررسی وضعیت راویان و داوری درباره وثاقت آن‌ها نقش مهمی در بهره‌گیری از اخبار برای استنباط معارف دینی دارد. یکی از راویانی که دیدگاه‌های گوناگونی چون ضعف، وثاقت مطلق، وثاقت مشروط و توقف درباره او قابل ارزیابی است، احمد بن هلال است. نقل نزدیک به نود روایت از این شخصیت در موضوعات فقهی، تاریخی و اعتقادی به ویژه مهدویت، تحقیق درباره او را ضرورت می‌بخشد. در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع اسنادی و به روش توصیفی - تحلیلی، وضعیت رجالی احمد بن هلال مورد ارزیابی قرار گرفته است. برای دست یافتن به نتیجه‌ای مطمئن درباره احمد بن هلال، در نخستین گام زیست‌نامه و جایگاه حدیثی و در دومین گام، تضعیفات مربوط به او در سه موضوع لعن از ناحیه مقدسه، غلو و نیز نقل احادیث منکر بررسی شده و نقدهای مربوط به هریک تبیین شده است. در مرحله بعد نیز توثیق خاص و عام مربوط به او با بهره‌گیری از مؤلفه‌های زیر مورد تبیین قرار گرفته: قرار داشتن در شمار رجال دو کتاب: **تفسیر قمی** و **المزار الکبیر** و روایتگری اجلاً از او. دستاوردهای پژوهش حاضر براساس نقد بر تضعیفات وارد شده بر این شخصیت و بهره‌گیری از مجموعه توثیقات عام مرتبط با او سامان یافته

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول).

mohaghegh.gr@gmail.com

sajjadizade@razavi.ac.ir

saddelbari@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۳. دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹ - پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۲۴

است.

کلیدواژه‌ها: احمد بن هلال، تضعیف در توقیع شریف، صالح‌الروایه، توثیقات عامه.

۱. مقدمه

بررسی اسناد روایات راهکاری است که هم باورمندان به مسلک وثوق مخبری و هم معتقدان به تحصیل وثوق خبری، ناگزیر باید آن را به کار ببندند. احراز وثاقت راویان سبب حکم به اعتبار حدیث در رویکرد اول و قرینه‌ای بر اعتبار آن در رویکرد دوم است. در میان راویان اخبار کسانی هستند که دانشوران مسلمان درباره آن‌ها دیدگاه یکسانی ندارند. این اختلاف‌ها بر روند بهره‌گیری از اخبار منقول از این راویان نیز اثرگذار است. یکی از راویانی که دیدگاه‌های متفاوتی درباره او نقل شده، احمد بن هلال عبرتایی است که درباره او در بخش (۳) سخن خواهد رفت.

منزلت احمد بن هلال چنان بوده که همراه عده‌ای از یاران خاص امام عسکری علیه السلام از جمله: محمد بن عثمان عمری، حسن بن ایوب و معاویه بن حکیم به محضر امام علیه السلام رسیده و از ایشان درباره جانشینی پرسیده‌اند. براساس این گزارش، امام عسکری علیه السلام با نشان دادن فرزند بزرگوارشان به آنان پیروی از وی را مطالبه کرده و عثمان بن سعید را به عنوان نماینده امام بعدی معرفی کرده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۷). جایگاه حدیثی او نیز در آن پایه است که شیخ الطائفه درباره اش چنین می‌نویسد: «و قد روی أكثر أصول أصحابنا» (طوسی، ۱۴۲۰: ۸۳). براساس گزارشی دیگر، راویان شیعی عراق به دیدار او رفته و از احادیث نوشته‌هایی بر جای گذاشتند (کشّی، ۱۳۶۳: ۱۶/۲). با این حال، عباراتی در قدح و ذم او یافت می‌شود که در بردارنده عدم وثاقت، ضعف، غلو، نصب و انحراف است؛ برای نمونه مؤلف کتاب *التحریر الطاووسی* چنین می‌نویسد: «روی فی شأنه أمور هائلة و طعن شدید» (ابن طاووس، ۱۴۲۵: ۴۷). علامه حلی نیز درباره او چنین نوشته است: «و عندی أن روایته غیر مقبولة» (علامه حلی، ۱۴۰۲: ۲۰۲). تفصیل این تضعیفات در بخش (۴) بررسی خواهد شد.

براساس گزاره‌های تاریخی و رجالی یادشده، فقیهان نیز در مواجهه با شخصیت

احمد بن هلال، داوری دربارهٔ سندها و سرانجام اعتبارسنجی اخبار منقول از او مسیر واحدی را نپیموده و نظریهٔ یکسانی نداشته‌اند. برخی از فقیهان با بهره‌گیری از قرآینی او را توثیق کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵/۱: ۳۵۵-۳۵۶؛ خوئی، ۱۴۱۸: ۴۷۹/۲۸؛ حکیم، ۱۴۱۷: ۱/۳۵۱)؛ برای نمونه عدم تضعیف ابن‌غضائری را نشانه‌ای بر وثاقت احمد بن هلال دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵/۱: ۳۵۶)؛ چراکه ابن‌غضائری در امور دینی بسیار غیور بوده و با دیدن امر ناپسندی در توبیخ شخص، کوتاهی نمی‌کرده است (سبحانی، ۱۴۱۰: ۱۰۰). برخی نیز احتیاط احمد بن هلال در زندگی و طرد نشدن او توسط خواص و عموم مردم را مایهٔ توثیق دانسته‌اند (بنگرید به: شبیری زنجانی، بی‌تا: ۶۳۲۷/۲۰).

فقیهان دیگری به ضعف احمد بن هلال به صورت مطلق باور دارند (محقق سبزواری، بی‌تا: ۵۹/۱؛ امام خمینی، ۱۳۸۰: ۲۲۰، ۲۳۴). برخی نیز از او با وصف مجروح یاد کرده (ابن بابویه، ۱۳۹۵/۱: ۷۶) و در مقابل، برخی بر این باورند که عبارات دال بر ذم او مانعی بر وثاقتش نیست (نوری، ۱۴۰۸: ۶۴/۲۲). ابن‌غضائری نیز دربارهٔ او قائل به توقف است (واسطی بغدادی، ۱۳۶۴: ۱۱۱-۱۱۲). کسانی به علت اشتها احمد بن هلال به غلو و فساد مذهب، عمل به متفرداتش را جایز ندانسته (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۰۴/۹؛ همو، ۱۳۹۰: ۲۹/۳؛ عبدالساده، ۱۴۳۹: ۱۴۳۶) و برخی دیگر به علت افراط و تفریطش در حق ائمه علیهم‌السلام او را مجهول‌الحال شمرده‌اند (آملی، بی‌تا: ۲۴۸/۱). همچنین برخی تنها شهرت عملی را مایهٔ عمل به روایات منقول از او می‌دانند (علوی گرگانی، ۱۳۹۵: ۱۹/۴).

آشکار است که گوناگونی داوری‌های موجود دربارهٔ احمد بن هلال در روند استنباط گزاره‌های معرفتی نقل شده از او بسیار اثرگذار است؛ از این رو شایسته است که وضعیت او به وسیلهٔ مبانی دانش رجال به درستی کاویده شود. پژوهش حاضر با تأیید این مهم، به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی در پی بازشناسی موقعیت رجالی احمد بن هلال است. برای تحقق این هدف پس از آوردن زیست‌نامهٔ او و اثبات یکی بودن دو شخصیت به ظاهر متفاوت؛ یعنی احمد بن هلال عبرتایی و احمد بن هلال کرخی، فهرستی از موضوعات روایی‌اش فراهم آمده است. در گام بعد، تضعیفات

رجالیان و توثیقات خاص و عام مرتبط با او مورد تبیین قرار گرفته است. در هریک از دو بخش یادشده نیز دلایل مربوط به آن بررسی و نقد شده و سرانجام، دیدگاه برگزیده با بهره‌گیری از توثیقات عامه درباره او بیان شده است.

۲. پیشینه پژوهش

در نوشته‌های رجالی به مناسبت بیان مدح و ذم راویان، از احمد بن هلال به اجمال سخن رفته؛ اما در برخی از کتاب‌های معاصران سخنان بیشتری درباره او به میان آمده است (صدر، ۱۳۸۵: ۱/۵۰۲-۵۰۵؛ سیستانی، ۱۴۳۷: ۱/۱۸۵-۲۰۲). مقاله «کاوشی در بازشناسی احمد بن هلال عبرتایی از مدعیان دروغین وکالت» به قلم کامیاب و عرفان (۱۳۹۳) بر ادعای نادرست وکالت احمد بن هلال از سوی امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ و عوامل پیدایش آن تمرکز کرده است. همچنین در مقاله‌واره «احمد بن هلال العبرتایی بین التضعیف و التوثیق» از محمد عطیه عبدالساده (۱۴۳۹) بسیار به اختصار فقط به بیان گزارش‌های رجالی درباره احمد بن هلال بسنده شده و از تحلیل عبارات رجالیان درباره او صرف نظر شده است. بدین سان پژوهشی که به گونه‌ای مستقل همه تضعیفات و توثیق‌های خاص و عام درباره احمد بن هلال را بررسی کرده باشد، در دست نیست. نوآوری دیگر پژوهش حاضر، بررسی و نقد هریک از موارد یادشده و ارائه دیدگاهی برگزیده درباره این شخصیت است. همچنین در پژوهش حاضر به نظرات فقیهان درباره او توجه شده؛ نکته‌ای که پیش از این سابقه نداشته است.

۳. زیست‌نامه و جایگاه حدیثی احمد بن هلال

احمد بن هلال عبرتایی با کنیه ابوجعفر در سال ۱۸۰ ق متولد شده و در ۲۶۷ ق از دنیا رفته است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۶۸؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۳). در برخی از گزارش‌های حدیثی نیز از او با عنوان هلالی (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/۴۸۹) و احمد بن هلال عبری یاد کرده‌اند (ابن طاووس، ۱۴۰۶: ۸۵). او با امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ معاصر بوده و دوران غیبت صغری را تا زمان سفیر خاص دوم ناحیه مقدسه درک کرده است. با توجه به عبارت‌هایی از عبرتایی

مانند: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَمِائَتَيْنِ» (جوهری بصری، بی تا: ۹) و «سَمِعْتُ هَذَا الْحَدِيثَ مُنْذُ سِتِّ وَخَمْسِينَ سَنَةً» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۶۷/۲) می توان دریافت که او دست کم از عصر امام جواد علیه السلام روایاتی را از راویان امامیه نقل کرده؛ اگرچه گزارشی از ارتباط او با امام جواد علیه السلام در دست نیست. نام او همچنین در شمار اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام یاد شده است (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۸۴، ۳۹۷). احمد بن هلال از امام هادی علیه السلام، محمد بن ابی عمیر، حسن بن علی بن یقظین، حسن بن محبوب و اُمیة بن علی قیسی روایت کرده و افرادی چون عبدالله بن جعفر حمیری، حسین بن احمد مالکی، عبدالله بن علاء مزاری، سعد بن عبدالله، علی بن حسین بن بابویه، محمد بن علی بن محبوب، محمد بن احمد بن ابوقتاده و احمد بن موسی نوفلی از او روایت کرده اند. بنابر گزارش های تاریخی، احمد بن هلال پنجاه و چهار بار به حج رفته که حداقل بیست بار آن پیاده بوده است (کشّی، ۱۳۶۳: ۸۱۶/۲) از او حدود نود روایت باقی مانده است.

یکی از پژوهشگران معاصر بر این باور است که احمد بن هلال عبرتایی و احمد بن هلال کرخی دو تن بوده اند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۳۸). علت این باور، درج این دو نام در دو موضع از کتاب الغیة شیخ طوسی است. در این کتاب از عبرتایی به عنوان یکی از وکیلان مذموم از ناحیه امامان علیهم السلام یاد شده (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۳) و نام احمد بن هلال کرخی در میان مدعیان دروغین سفارت از ناحیه مقدسه قرار دارد (همان، ۳۹۹). این استدلال به چند علت استوار به نظر نمی رسد: نخست اینکه رجالیان از تفاوت صاحبان این دو نام سخنی نگفته اند و دوم اینکه براساس پژوهش صورت گرفته در مقاله حاضر، کرخ و عبرتا در منطقه ای نزدیک به هم قرار داشته اند. توضیح مطلب اینکه عبرتا ناحیه ای است در اسکاف بنی جنید (طوسی، ۱۴۲۰: ۸۳؛ میرداماد، ۱۳۱۱: ۱۰۹) از آبادی های نهروان (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۲۰۲) که بین واسط و بغداد قرار دارد و کرخ، نام بازاری در بغداد است (مقدسی، بی تا: ۳۹/۱؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۵۶/۴). کرخ، واژه ای نبطی است (ابن درید، ۱۹۸۸: ۵۹۱/۱) که به معنای مطلق بازار (صاحب، ۱۴۱۴: ۲۰۱/۴) و نیز محله زبیدی،

۱۴۱۴: ۳۰۵/۴) آمده است. براساس برخی گزارش‌ها، ساکنان محله کرخ عبرتا را یهودیان و گالیان تشکیل می‌داده‌اند (قزوینی، بی‌تا: ۲۳۷/۱).

براساس نوشته حموی، همه مناطق که در نام آن‌ها پیشوند کرخ آمده، در عراق واقع‌اند (حموی، ۱۹۹۵: ۴/۴۴۷). برخی از تاریخ‌نگاران و لغت‌پژوهان از مناطقی با نام‌های کرخ سامرا، کرخ بصره، کرخ جُدان، کرخ رقه، کرخ خوزستان، کرخ عبرتا و کرخ میسان نام برده‌اند (حموی، ۱۹۵۵: ۴۴۷-۴۴۹؛ مقدسی، بی‌تا: ۸/۱). کرخ عبرتا محله‌ای بوده در نهروان (زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۰۵/۴)، بین راه بغداد و واسط (حموی، ۱۹۵۵: ۴/۷۷) و در شرق دجله و غرب بغداد (حمیری، ۱۹۸۰: ۴۹۱) قرار داشته است. بنابر گزارش‌های تاریخی، منصور عباسی هنگام ساختن بغداد برای هریک از دروازه‌های ورودی شهر راسته‌ای به عنوان بازار ساخته است (حموی، ۱۹۵۵: ۴/۴۴۸). به نظر می‌رسد که واقع شدن محله کرخ بغداد در راستای راه خروجی به سمت عبرتا علت نامیده شدن آن مسیر به کرخ عبرتا شده باشد، حتی اگر نزدیکی این دو منطقه به هم علت انتساب یکسان افراد به آن‌ها نشده باشد، باز هم محتمل است که احمد بن هلال به علت تولد در عبرتا به عبرتایی و به علت سکونت در کرخ به کرخی شهرت یافته باشد. این معنا را می‌توان از سند روایتی که شیخ طوسی در امالی آورده، دریافت: «أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا رَجَاءُ بْنُ يَحْيَى بْنِ سَامَانَ أَبُو الْحُسَيْنِ الْعَبْرَتَائِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ فِي مَنْزِلِهِ بِالْكَرْخِ...» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۸۷). از این عبارت می‌توان چنین دریافت که احمد بن هلال با وجود تولد در عبرتا، در کرخ ساکن بوده است. به هر رو می‌توان با بهره‌گیری از روش توحید مختلفات، دو تن پنداشتن احمد بن هلال کرخی و احمد بن هلال عبرتایی را نادرست دانست.

کسانی نیز او را متوقف بر امام کاظم علیه السلام دانسته‌اند (گلپایگانی، بی‌تا: ۴۷). براساس دیدگاهی دیگر، ابن هلال بر امام جواد علیه السلام توقف کرده و از علامه حلی درباره او چنین نقل شده: «ما ورد فيه من النسبة إلى الوقف على أبي جعفر عليه السلام» (محقق داماد، بی‌تا: ۳۶۷/۲)؛ حال آنکه در گزارش مرحوم علامه حلی چنین آمده است: «قال أبو علي محمد

بن همام کان أحمد بن هلال من أصحاب أبي محمد عليه السلام فاجتمعت الشيعة على وكالة أبي جعفر محمد بن عثمان العمري بنص الحسن العسكري عليه السلام في حياته عليه «علامه حلّی، ۱۴۰۲: ۲۷۴». از مقایسه این دو گزارش معلوم می‌شود که عبارت «علیه السلام» در نوشته علامه وجود ندارد و از سوی دیگر مراد از ابو جعفر در گزارش علامه حلّی، محمد بن عثمان است و نه امام جواد عليه السلام؛ از این رو مراد از وقف او وقف بر نایب دوم است و نه وقف بر امامت.

از احمد بن هلال دو کتاب یوم و لیل و نوادر از طریق عبدالله بن علاء مزاری و عبدالله بن جعفر گزارش شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۳). آیت الله خوئی تعداد روایات احمد بن هلال را در کتب اربعه، شصت روایت دانسته (خوئی، ۱۴۰۳: ۳۵۹/۲) و شیخ طوسی تنها در کتاب تهذیب الأحکام سی و سه روایت از او نقل کرده است. بیش از بیست روایت مرتبط با موضوعات مهدوی و شماری از روایات اعتقادی و تفسیری از احمد بن هلال نقل شده که مجموع آن‌ها به حدود نود روایت می‌رسد.

موضوعات فقهی ثبت شده از احمد بن هلال در کتاب‌های حدیثی عبارت‌اند از: حکم وضو در صورت فراموشی طهارت ذکر، روزه نیمه شعبان، حکم خروج مجدد خون عادت زنانه پیش از ده روز و پس از انقطاع اولیه آن، حکم غسل واجب شخصی که بول نکرده، ویژگی‌های های ریح مبطل طهارت، تلقین محتضر (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۸/۱، ۱۱۷، ۱۳۲، ۱۴۵، ۳۴۷، ۴۶۶)، احکام مربوط به تستر شمس در مغرب (همان، ۲۹/۲)، چگونگی نماز شخصی که بر روی زمین قرار ندارد، چگونگی نماز در مکانی که نمی‌توان در آن قیام و رکوع به جا آورد، وقوع اضطراب در هنگام نماز (همان، ۷۵/۳، ۲۳۲، ۳۰۸)، تبدیل قیمت زکات فطره به وجه نقد، مالکیت انفال (همان، ۷۸/۴، ۱۳۴)، زمان نماز طواف، تروک احرام (همان، ۱۴۰/۵، ۳۰۸)، زیارت قبر امام حسین عليه السلام، تعداد شاهدان مقبول بر وصیت (همان، ۴۸/۶، ۵۱، ۲۶۸)، زمان عده وفات (همان، ۱۵۷/۸)، میزان مجاز وصیت (همان، ۲۰۴/۹)، خمس بر درهم اهدایی (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۶۰۶/۳)، حکم روزه استحبابی در سفر (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۵۲/۷)، سیره نبوی در استفاده از عطر (همان، ۱۹۷/۱۳) و استحباب

حج صبیّ ممیز (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲/۳۸۵).

برخی از روایات اعتقادی ای که نام احمد بن هلال در طریق نقل آن‌ها قرار دارد، عبارت‌اند: ایمان ابوطالب علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹: ۲/۴۵۳)، آگاهی رسول خدا صلی الله علیه و آله به زبان‌های مختلف (صفار، ۱۴۰۴: ۱/۲۲۷)، نام جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله بنابر وصیت ایشان (کلینی، ۱۴۲۹: ۲/۶۷۷-۶۷۸)، حکمت پذیرش ولایتعهدی توسط امام رضا علیه السلام (همان، ۱۵/۵۸۴)، آگاهی‌های غیبی امام باقر علیه السلام (صفار، ۱۴۰۴: ۱/۲۵۸)، تعبیر رؤیای یاسر خادم به قیام محمد بن ابراهیم طباطبا توسط امام رضا علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۵/۵۸۳)، معرفی جانشین امام جواد علیه السلام (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۲۸۴) و تشریح روایت نبوی «اختلاف اُمّتی رحمة» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۱۵۷). شماری از روایات تفسیری او نیز عبارت‌اند از: تفسیر واژه آیات در آیه «وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ» (یونس/۱۰۱) به امامان اهل بیت علیهم السلام (قمی، ۱۴۰۴: ۱/۳۳۰) و تفسیر واژه ساعت به علی بن ابی طالب علیه السلام در آیه «بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا» (فرقان/۱۱) (قمی، ۱۴۰۴: ۲/۱۱۲).

۴. تضعیفات

چنان‌که گذشت، کسانی با بهره‌گیری از مؤلفه‌هایی احمد بن هلال را تضعیف کرده‌اند. در این بخش به بیان و بررسی این موارد پرداخته می‌شود:

۱.۴. لعن از ناحیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

بنابر گزارش کشی سه توقیع درباره احمد بن هلال از ناحیه مقدسه صادر شده که نخستین آن‌ها در بردارنده عبارت: «اِحْدَرُوا الصُّوفِي الْمَتَّصِبِع» (کشّی، ۱۳۶۳: ۲/۸۱۶) بوده است. پس از صدور این توقیع، عده‌ای به علت مقام و جایگاه احمد بن هلال، قاسم بن علاء^۱ را مأمور کردند تا صحت موضوع را جويا شود. امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف در پاسخ آنان نامه‌ای با عبارات زیر نوشتند: «قَدْ كَانَ أَمْرُنَا نَفَذَ إِلَيْكَ فِي الْمَتَّصِبِعِ ابْنِ هَلَالٍ لَا رَحْمَةَ اللَّهُ بِمَا قَدْ

۱. وی از اهالی آذربایجان و یکی از وکیلان حضرت علیه السلام بوده است (قهپایی، ۱۳۶۴: ۷/۱۹۲).

عَلِمْتَ لَمْ يَزَلْ لَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَنْبَهُ وَلَا أَقَالَهُ عَثْرَتَهُ دَخَلَ فِي أَمْرِنَا بِإِذْنِ مَنَّا وَلَا رِضَىٰ يَسْتَبِدُّ بِرَأْيِهِ فَيَتَحَامَىٰ مِنْ دُيُونِنَا لَا يَمْضِي مِنْ أَمْرِنَا إِلَّا بِمَا يَهْوَاهُ وَ يُرِيدُ أَرْذَاهُ اللَّهُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَصَبْرُنَا عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَتَرَ اللَّهُ عُمُرَهُ بَدْعُونَنَا وَ كُنَّا قَدْ عَرَفْنَا خَبْرَهُ قَوْمًا مِنْ مَوَالِينَا فِي أَيَّامِهِ لَا رَحْمَةَ اللَّهُ وَ أَمْرِنَاهُمْ بِالْقَاءِ ذَلِكَ إِلَى الْخُلَاصِ مِنْ مَوَالِينَا وَ نَحْنُ نَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ ابْنِ هِلَالٍ لَا رَحْمَةَ اللَّهُ وَ مِمَّنْ لَا يَبْرَأُ مِنْهُ وَ أَعْلِمِ الْإِسْحَاقِيَّ سَلَّمَهُ اللَّهُ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ مِمَّا أَعْلَمْنَاكَ مِنْ حَالِ أَمْرِ هَذَا الْفَاجِرِ وَ جَمِيعِ مَنْ كَانَ سَأَلَكَ وَ يَسْأَلُكَ عَنْهُ مِنْ أَهْلِ بَلَدِهِ وَ الْخَارِجِينَ وَ مَنْ كَانَ يَسْتَحِقُّ أَنْ يَطَّلَعَ عَلَىٰ ذَلِكَ فَإِنَّهُ لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ مِنْ مَوَالِينَا فِي التَّشْكِيكِ فِيمَا يُؤَدِّيهِ عَنَّا ثِقَاتُنَا قَدْ عَرَفُوا بَأَنَّنَا نَفَاوِضُهُمْ سَرْنَا وَ نَحْمِلُهُ إِيَّاهُ إِلَيْهِمْ وَ عَرَفْنَا مَا يَكُونُ مِنْ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى» (كشّی، ۱۳۶۳: ۲/ ۸۱۷). با توجه به دو عبارت «وَ كُنَّا قَدْ عَرَفْنَا خَبْرَهُ قَوْمًا مِنْ مَوَالِينَا فِي أَيَّامِهِ لَا رَحْمَةَ اللَّهُ» و «لَا رَحْمَةَ اللَّهُ» می توان دریافت که این نامه پس از مرگ احمد بن هلال صادر شده است.

براساس ادامه گزارش، شخصی به نام ابوحامد نقل کرده است که چون بار دیگر عده‌ای دربارهٔ صحّت صدور این نامه تردید کردند، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در پاسخ ایشان چنین نوشت: «لَا شَكَرَ اللَّهُ قَدْرَهُ لَمْ يَدْعِ الْمَرْزُوقَةَ بِأَنْ لَا يُزِيغَ قَلْبَهُ بَعْدَ أَنْ هَدَاهُ وَ أَنْ يَجْعَلَ مَا مِنْ بِيهِ عَلَيْهِ مُسْتَقَرًّا وَ لَا يَجْعَلَهُ مُسْتَوْدَعًا وَ قَدْ عَلِمْتُمْ مَا كَانَ مِنْ أَمْرِ الدِّهْقَانِ عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ خِدْمَتِهِ وَ طَوْلِ صُحْبَتِهِ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ بِالْإِيمَانِ كُفْرًا حِينَ فَعَلَ مَا فَعَلَ فَعَاجَلَهُ اللَّهُ بِالتَّقَمَةِ وَ لَمْ يُمְهِلْهُ» (همان، ۸۱۶/۲ - ۸۱۷). در این توقیع شریف، سرنوشت احمد بن هلال با دهقان عروه مقایسه شده است. همچنین در بخشی از توقیعی دیگر که در مذمت شلمغانی صادر شده، به انحراف احمد بن هلال اشاره شده است (طوسی، ۱۴۱: ۴۱۱). مراد از دهقان عروه، عروه بن یحیی بن نخاس دهقان از وکیلان امام هادی و امام عسکری عَلَيْهِمَا السَّلَامُ است (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۸۸). بنابر گزارشی، امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ در نامه‌ای به اسحاق بن اسماعیل، دهقان را وکیل و مورد اعتماد خویش نامیده است (کشّی، ۱۴۰۴: ۲/ ۸۴۷). دهقان پس از حسن بن راشد سرپرستی خزانهٔ امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ را بر عهده داشت؛ اما چون بخشی از دارایی خزانه را برای خود برداشت و باقی مانده را سوزاند، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ او را لعن

کرد و او فقط یک شبانه روز پس از آن زنده ماند (همان، ۸۴۲/۲). رجالیان از دهقان با صفت غالی و ملعون یاد کرده‌اند (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۸۹؛ علامه حلی، ۱۴۰۲: ۲۴۴). به نظر می‌رسد که وجه شباهت دهقان و احمد بن هلال اعتماد معصوم عَلَيْهِ السَّلَام به آنان در دوره‌ای و انحراف نهایی شان باشد. از بیان این شباهت می‌توان چنین دریافت که ملازمه تامی میان معتمد امام عَلَيْهِ السَّلَام بودن و عدم انحراف تا پایان عمر وجود ندارد.

افزون بر این، حسین بن روح نوبختی نیز در نامه‌ای احمد بن هلال^۱ و شلمغانی را از مرتدانی دانسته که سزاوار لعن هستند (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۷۳). با توجه به ظاهر عباراتی چون «إِحْدَرُوا الصُّوفِيَّ الْمُتَّصِنِعَ»، «لَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَنْبَهُ»، «دَخَلَ فِي أَمْرِنَا بِإِذْنِ مَنَّا وَلَا رِضَى»، «أَزْدَاهُ اللَّهُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ»، «بَتَرَ اللَّهُ عُمُرَهُ بِدَعْوَتِنَا»، «أَمَرَ هَذَا الْفَاجِرِ» و «عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» می‌توان دریافت که احمد بن هلال از ناحیه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام به شدت مذمت شده است. شیخ طوسی نیز در میان سفرای مذموم امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام از احمد بن هلال یاد کرده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۳). همچنین نجاشی درباره او می‌نویسد: «وقد روی فيه ذموم من سيدنا أبي محمد العسكري عَلَيْهِ السَّلَام» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۳).

۴-۱-۱. نقد و بررسی

از متن توقیعات و عبارات کثی می‌توان دریافت که ابن هلال تا پایان وکالت سفیر اول، فردی مؤمن و صالح بوده؛ ولی با آغاز وکالت سفیر دوم، محمد بن عثمان عمری، به مخالفت با وکالت او پرداخته است (صدر، ۱۳۸۵: ۱/۵۰۲). بنابراین علت صدور توقیعات یادشده مخالفت او با وکالت خاصه محمد بن عثمان عمری بوده است. احمد بن هلال مدعی بوده که نصی بر وکالت محمد بن عثمان نیافته است (بحرانی، ۱۴۱۲: ۱/۲۰۸). برخی بر این باورند که علت انحراف احمد بن هلال جایگاه بلند او در میان بزرگان و عموم شیعه بوده که مانع از پذیرش نیابت خاص یکی از هم‌ردیفانش شده است (خوئی،

۱. در متن نامه احمد بن بلال آمده که به نظر می‌رسد تصحیف احمد بن هلال باشد.

۱۴۱۸: ۱۲/۳۳۵). از این رو این ذموم را نمی‌توان بر روایتگری او متوجه دانست؛ بلکه توقف ابن‌هلال بر وکالت محمد بن عثمان علت انحراف عقیدتی‌اش بوده است (حکیم، ۱۴۱۷: ۱/۳۵۰). از سوی دیگر، وجود هوای نفس و رذیلت‌های اخلاقی در فرد به معنای جعل روایت توسط او نیست (شبیری زنجانی، بی‌تا: ۲۰/۶۳۲۷) و انحراف عقیدتی نیز ملازمه‌ای با عدم وثاقت ندارد (همان، ۱۴/۴۷۷۷). کمترین چیزی که درباره‌ی احمد بن هلال می‌توان گفت این است که در حال استقامت مورد اعتماد بوده و دست‌کم در رفتار و نقل اخبار، ظاهر را حفظ می‌کرده است. ذم صادرشده از ناحیه‌ی مقدسه نیز ملازمه‌ی تامی با عدم وثاقت در نقل روایات ندارد؛ چنان‌که امام عسکری علیه السلام درباره‌ی روایات شلمغانی و بنوفضال که پس از مدتی منحرف شده بودند، چنین فرموده‌اند: «خُذُوا بِمَا رَوَوْا وَ ذَرُّوا مَا رَأَوْا» (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۹۰). قدر متیقن از بخش نخست روایت یادشده، اعتبار روایات چنین افرادی در زمان استقامت است.

همچنین به نظر می‌رسد ذمومی که نجاشی صدور آن‌ها را به امام حسن عسکری علیه السلام نسبت داده، درست نباشد؛ چراکه جز توقعاتی از امام زمان علیه السلام درباره‌ی انحراف او در عصر نایب دوم، عبارتی از امام حسن عسکری علیه السلام در ذم احمد بن هلال وجود ندارد. بنابراین نمی‌توان با استناد به عبارت نجاشی انحراف او را به عصر امام یازدهم علیه السلام مربوط دانست.

۴-۲. غلو و نصب

برخی از دانشوران شیعی احمد بن هلال را غالی دانسته و او را در کنار افرادی مانند حسین بن منصور حلاج و ابی‌دلف از جمله غالیانی برشمرده‌اند که با وجود انتساب به تشیع سخنان ناروایی گفته‌اند (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۸۴؛ علامه حلی، ۱۴۰۲: ۲۰۲؛ بحرانی، ۱۳۶۳: ۱/۴۴۱، ۳/۳۳). در اصطلاح دانش‌های کلام و فقه شیعی، غالیان افرادی هستند که با غلو در حق معصومان علیهم السلام ایشان را از حد مخلوق فراتر می‌برند (سبحانی، ۱۴۱۰: ۴۱۷). نواصب نیز کسانی هستند که با اهل بیت علیهم السلام به دشمنی آشکار برخاسته (علامه

حلی، بی تا: ۲/۲۰۵؛ مقدس اردبیلی، بی تا: ۱۰۱/۶) و به طرف داری از معاویه و یزید پرداخته‌اند (مغنیه، ۱۴۱۴: ۹).

برخی بر این باورند که احمد بن هلال مدتی غالی بوده و سپس ناصبی شده است (اراک، ۱۴۱۵: ۱۹۲/۱). سعد بن عبدالله اشعری او را چنین توصیف می‌کند: «مَا رَأَيْتَا وَلَا سَمِعْتَا بِمُشَيِّعٍ رَجَعَ عَنِ التَّشْيِيعِ إِلَى النَّصَبِ إِلَّا أَحْمَدَ بْنَ هَلَالٍ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱/۷۶). براین اساس، برخی فقیهان او را به اتهام نصب و غلو ضعیف دانسته‌اند (آملی، ۱۳۶۱: ۱/۱۹۸). همچنین براساس دیدگاهی دیگر، نیمی از احادیث احمد بن هلال شبیه متون غالیانه است (ری شهری، ۱۳۹۵: ۹۰/۴). ناسازگاری میان دو مفهوم غلو و نصب سبب شده که شیخ اعظم انصاری دربارهٔ احمد بن هلال چنین بنویسد: «بَعْدَ مَا بَيْنَ الْمَذْهَبَيْنِ لَعَلَّهُ يَشْهَدُ بَأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَذْهَبَ رَأْسًا» (انصاری، ۱۴۱۵: ۱/۳۵۴). این دیدگاه نیز مطرح شده که او نسبت به برخی امامان عليه السلام غالی و نسبت به برخی دیگر ناصبی بوده است (مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ۱/۳۶۴).

۴-۲-۱. بررسی و نقد

گرچه شیخ طوسی او را به غلو متهم کرده و ضعیف دانسته است، از برخی عبارات شیخ در *العدة في أصول الفقه* می‌توان دریافت که نقل روایات مربوط به حال استقامت غالیان و متهمان به ضعف مانعی ندارد (طوسی، ۱۴۱۷: ۱/۱۵۱). براساس دیدگاهی دیگر، بسیاری از گزارش‌های انتساب افراد به غلو مطابق با واقع نیست (مامقانی، ۱۴۲۸: ۲/۱۱۸)؛ چنان‌که محتمل است نسبت‌دهندهٔ غلو براساس اجتهاد خود به چنین باوری رسیده باشد (همان، ۱۲۳/۲) که چنین دیدگاهی برای مجتهدی دیگر حجت نخواهد بود. افزون بر این دربارهٔ احمد بن هلال نمی‌توان شاهدهی یافت که به غلو او رهنمون باشد (سیستانی، ۱۴۳۷: ۱/۱۹۳). باید توجه کرد که تضعیف راوی به علت انحراف عقیدتی به دو شرط بازبسته است: نخست، اثبات انحراف راوی و دوم، اثبات اینکه انحراف موجب فسق و خروج از گسترهٔ توثیق شده است. براین اساس، نمی‌توان غلو یا نصب ابن هلال را

به سادگی اثبات کرد (خوئی، ۱۴۰۳: ۲/۳۵۸). از سوی دیگر، با بررسی روایات ابن هلال که پیش تر آمد، نمی توان به او نسبت غلو داد.

افزون بر این، رمی به غلو ملازمه تامی با عدم وثاقت ندارد (سبحانی، ۱۴۱۰: ۴۲۹). مستند روایی تلازم نداشتن عدم وثاقت با انحراف عقیدتی عبارتی است که ابوبصیر از یکی از صادقین علیه السلام با عبارت «لَا تُكذِّبُوا بِحَدِيثِ آتَاكُمْ مُرَجِيئٌ وَلَا قَدَرِيٌّ وَلَا خَارِجِيٌّ نَسَبَهُ إِلَيْنَا فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ لَعَلَّهُ شَيْءٌ مِنَ الْحَقِّ فَتُكذِّبُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوْقَ عَرْشِهِ» نقل کرده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲/۳۹۵). حتی برفرض شرط بودن ایمان برای حصول وثاقت راوی، فقط زمانی می توان غلو را مایه ضعف دانست که به کفر، شرک یا ارتداد بینجامد.

به نظر می رسد مراد از نصبی که در گزاره های رجالی به شیعیانی نسبت داده شده، مفهوم مصطلح نصب؛ یعنی مخالفت با اهل بیت علیهم السلام و توهین به ایشان نباشد؛ بلکه مراد مخالفت با اصحاب امامان علیهم السلام و نمایندگان ایشان است. این تحلیل از فرمایش امام صادق علیه السلام به عبدالله بن سنان برمی آید: «لَيْسَ النَّاصِبُ مَنْ نَصَبَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لِأَنَّكَ لَمْ تَجِدْ رَجُلًا يَقُولُ أَنَا النَّاصِبُ [أَبْغَضُ] مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ لَكِنَّ النَّاصِبَ مَنْ نَصَبَ لَكُمْ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّكُمْ تَتَوَلَّوْنَا وَ أَنَّكُمْ مِنْ شِيعَتِنَا» (همو، ۱۴۰۶: ۲۰۷). براین اساس، میان انتساب نصب و انتساب غلو به یکی از شیعیان تعارضی وجود ندارد. با وجود گزارش سعد بن عبدالله مبنی بر ناصبی بودن احمد بن هلال، در منابع روایی روایت هایی می توان یافت که وی از احمد بن هلال نقل کرده است (برای نمونه بنگرید به: کلینی، ۱۴۲۹: ۲/۴۵۲؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۷۹). بدین سان میان توصیف راوی به نصب و عدم وثاقت او رابطه تساوی وجود ندارد. برخی نیز نسبت ابن هلال به غلو، نصب و وقف را از اساس نادرست دانسته اند (نوری، ۱۴۰۸: ۲۲/۶۳؛ سیستانی، ۱۴۳۷: ۱/۱۹۳).

۳-۴. اشتغال اخبار احمد بن هلال بر احادیث منکر

نجاشی عبارت «صالح الروایة، يُعرف منها و يُنكر» را درباره احمد بن هلال نقل کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۳). عده ای این عبارت را از نشانه های ذم و ضعف دانسته اند

(مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ۱/۱۱۶؛ سبحانی، ۱۴۱۰: ۴۳۵؛ سیستانی، ۱۴۳۷: ۱/۱۹۵، ۲۶۸).
براساس این دیدگاه، حدیث منکر خبری است که شخص غیرثقه آن را به گونه‌ای نقل کرده که مخالف گزارش عدّه فراوانی است (مامقانی، ۱۴۲۸: ۱/۱۹۹). باورمندان به استظهار ضعف راوی از این عبارت، سه معنا را در آن محتمل دانسته‌اند: ۱. دروغ‌گو بودن راوی، ۲. ضعف راوی به علت اعتماد بی دلیل به افراد، ۳. فاسدالروایه بودن راوی به علت غلو (خرازی، ۱۴۲۲: ۶۰/۵).

۴-۳-۱. بررسی و نقد

عبارت «یعرف حدیثه و ینکر» به معنای اشمال احادیث احمد بن هلال بر مواردی است که پذیرش آن برای عقول دشوار است (حکیم، ۱۴۱۷: ۱/۳۵۰)؛ به دیگر سخن به رغم امانت داری راوی در نقل روایت، برخی از روایات او قابل قبول نیست (شبیری زنجانی، بی تا: ۲۰/۶۳۲۸؛ عبدالساده، ۱۴۳۹: ۴۳۵). براساس دیدگاهی دیگر، عبارت «یعرف و ینکر» به معنای اعتبار روایات مربوط به حال استقامت راوی و انکار روایات مربوط به حال انحراف اوست (سند، ۱۴۲۹: ۷۵). کسانی نیز بر این باورند که چون این عبارت به معنای پذیرش اسناد احمد بن هلال به راویان ثقه و عدم پذیرش اسناد او به راویان غیرثقه است، این عبارت بر وثاقت راوی دلالت دارد و طعن در آن به کسانی برمی گردد که راوی از آن‌ها روایت کرده است. براساس هر سه دیدگاه، اشمال حدیث بر این امور ملازمه‌ای با عدم وثاقت ندارد (خوئی، ۱۴۰۳: ۲/۳۵۸) و عبارت یادشده نشان دهنده قبح راوی نیست (علیاری تبریزی، ۱۴۱۲: ۱/۱۹۹)؛ چراکه منافاتی میان نقل از ضعیفان و وثاقت وجود ندارد. افزون بر این، ترکیب «صالح الروایه» نجاشی درباره احمد بن هلال را به آسانی نمی توان نادیده گرفت. در این باره در بخش توثیق خاص (۱-۵) مطالبی خواهد آمد.
به هر رو تضعیفات یادشده توان اثبات عدم وثاقت احمد بن هلال را به نحو مطلق ندارند.

۵. توثیقات

درباره احمد بن هلال توثیقی خاص و دسته‌ای از توثیقات عام وجود دارد:

۵-۱. توثیق خاص

نجاشی معرفی خود از احمد بن هلال را با ترکیب «صالح الروایه» آغاز کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۶۱). آیت الله خوئی نیز با بهره‌گیری از همین ترکیب، ابن هلال را توثیق می‌کند (خوئی، ۱۴۰۳: ۳۵۹/۲). این عبارت بیان‌کننده مدحی قابل توجه است (مامقانی، ۱۴۲۸: ۴۹۲/۱) و آن اینکه دست کم نشان‌دهنده روایتگری‌ای همراه با امانت‌داری است که با باورهای مذهبی شخص پیوند پایداری ندارد (محقق داماد، بی تا: ۳۶۷/۲).

اگرچه برخی بر این باورند که توثیق نجاشی معارضی ندارد (خوئی، ۱۴۱۸: ۳۳۵/۱۲)، از سخنان شیخ طوسی می‌توان معارضی برای این توثیق یافت. شیخ در استبصار چنین می‌نویسد: «رَوَى أَحْمَدُ بْنُ هَلَالٍ وَ هُوَ ضَعِيفٌ فَاسِدُ الْمَذْهَبِ لَا يُلْتَفَتُ إِلَيْهِ حَدِيثُهُ فِيمَا يَخْتَصُّ بِنَقْلِهِ» (طوسی، ۱۳۹۰: ۲۸/۳). با این همه، راهکار زدودن این تعارض را از کلام خود شیخ طوسی می‌توان جست؛ آنجا که فساد مذهب را لزوماً به معنای عدم وثاقت ندانسته است (همو، ۱۴۱۷: ۱۵۱/۱). از سوی دیگر، از این نکته که مراد از ضعیف بودن در کلام قدما عدم عمل به متفردات راوی است و خود شیخ طوسی نیز تنها متفردات ابن هلال را قابل توجه ندانسته، می‌توان نتیجه گرفت که شیخ به وثاقت او در دیگر موارد باور داشته است.

برخی دیگر بر این باورند که چون میان توثیق نجاشی و استثنا شدن راوی از رجال کتاب نوادر الحکمه نوشته محمد بن احمد بن یحیی تعارض وجود دارد، جانب تضعیف مقدم است (سیستانی، ۱۴۳۷: ۲۰۰/۱). در پاسخ باید گفت که ابن بابویه که خود تابع ابن ولید است، روایاتی از برخی افراد مستثنا شده از نوادر الحکمه آورده؛ از جمله روایتی از احمد بن هلال با تصریح به بیان روایت توسط او در حال استقامت (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱/۲۴) و البته در موضعی دیگر، تنها عمل به متفردات او را روا ندانسته است (همان، ۱/

(۷۶). ابن بابویه همچنین در مشیخه، طریق خود را به احمد بن هلال نقل کرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/۵۱۷). بر این اساس می‌توان گفت: استثنا شدن از رجال نواذر الحکمه ملازمه تام با عدم وثاقت ندارد.

بر اساس دیدگاهی دیگر، مراد نجاشی از عبارت پیش‌گفته کثیرالروایه بودن است؛ چراکه بر پرهیز از نقل متفردات احمد بن هلال اجماع وجود دارد (شوشتری، ۱۴۱۰: ۱/۶۷۶). چنین برداشتی ناستوار به نظر می‌رسد؛ چراکه در هیچ‌یک از نسخه‌های خطی و چاپی کتاب رجال نجاشی چنین عبارتی نیامده و برای فهم مراد نجاشی نمی‌توان به خلاف ظاهر عبارت متوسل شد. همچنین چنان‌که در مقدمه گفته شد، دیدگاه رجالیان درباره ابن هلال یکسان نیست و اجماعی بر عدم نقل متفردات او وجود ندارد. به هر رو ترکیب «صالح الروایه» نشان‌دهنده استواری در نقل روایت و یکی از مؤلفه‌های وثاقت است.

۵-۲. توثیقات عام

افزون بر توثیق خاص پیش‌گفته مواردی می‌توان یافت که توان نقش‌آفرینی در قامت توثیقات عام، برای احراز وثاقت احمد بن هلال را دارند. اگرچه ممکن است هریک از این موارد از نظر کبروی با مخالفت‌هایی روبه‌رو شوند، انضمام آن‌ها به یکدیگر در تحصیل اطمینان لازم برای داوری درباره وثاقت یک راوی راهگشا خواهد بود. برخی از مهم‌ترین این موارد عبارت‌اند از:

۵-۲-۱. قرار داشتن در شمار رجال تفسیر قمی

یکی از تفاسیر روایی میراث شیعی تفسیری است که به تفسیر علی بن ابراهیم قمی مشهور است. مؤلف این کتاب، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی است که از مشایخ کلینی بوده و بیش از ۵۶۰۰ طریق روایت از او در کافی نقل شده است. رجالیان بر توثیق قمی اتفاق نظر دارند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰؛ علامه حلی، ۱۴۰۲: ۱۰۰). مستند توثیق تمام راویان این کتاب عبارتی است که قمی در مقدمه آورده است: «نحن ذاکرون و مخبرون بما

ینتهی إلینا و رواه مشایخنا و ثقاتنا عن الذین فرض الله طاعتهم و ...» (قمی، ۱۴۰۴: ۱/ ۴).
 براین اساس، کسانی همه مشایخ قمی را ثقه می دانند (حر عاملی، ۳۰، ۱۴۰۹/ ۲۰۲؛ خوئی،
 ۱۴۰۳: ۱/ ۴۹؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲: ۱/ ۶۲)؛ چراکه افزودن واژه «ثقاتنا» با او عاطفه به واژه
 «مشایخنا» بیان کننده توثیق مشایخ بلاواسطه نیز هست. به باور برخی، از مقدمه کتاب
 یاد شده چنین برمی آید که راویان این کتاب با در نظر داشتن سه شرط توثیق شده اند: ۱.
 تشیع که از واژه «ثقاتنا» برمی آید، ۲. اتصال سند که از عبارت «ینتهی إلینا من مشایخنا
 الثقاۃ» فهمیده می شود، ۳. اسناد سند تا معصوم علیه السلام که از عبارت «عن الذین فرض الله
 طاعتهم» برداشت می شود. بنابراین، راویان روایات موقوف توثیق نشده اند (داوری، ۱۴۱۶:
 ۱۶۳).

براساس دیدگاهی، آنچه امروزه به نام تفسیر علی بن ابراهیم قمی در دست است، تنها
 از روایات قمی تشکیل نشده، بلکه به روایات ابوالجارود زیدی مذهب نیز آمیخته شده
 است (سبحانی، ۱۴۱۰: ۳۱۳؛ داوری، ۱۴۱۶: ۱/ ۲۷۳)؛ ازاین رو نمی توان سخن قمی در
 مقدمه را مربوط به همه روایات کتاب دانست. با پذیرفتن این مبنا، روایات منقول از
 ابوالجارود از موضوع مقدمه کتاب خارج خواهد بود. لازم به ذکر است که در سند روایات
 احمد بن هلال، نام ابوالجارود وجود ندارد و البته در دو موضع از تفسیر قمی نام ابن هلال
 در شمار سلسله اسناد ذکر شده است (قمی، ۱۴۰۴: ۱/ ۳۲۰، ۱۱۲/ ۲). فقیهانی با بهره گیری
 از معیار یاد شده به توثیق احمد بن هلال پرداخته اند (خوئی، ۱۴۰۸: ۱۵۲/ ۳؛ بسام، ۱۴۲۶: ۱/
 ۱۶۸). برخی نیز با استناد به آمیختگی روایات کتاب قمی احتمال داده اند که مقدمه آن
 نوشته علی بن ابراهیم نیست (سبحانی، ۱۴۱۰: ۳۱۶) که البته نمی توان ملازمه تامی میان
 عدم انتساب مقدمه به قمی و دلیل پیش گفته برقرار کرد. ادعای عدم انتساب فقط در
 حد احتمال مطرح شده و با توجه به گزارش وجود تفسیری در شمار نوشته های قمی
 (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۲۶۶) و گزارش نشدن تفسیری غیر از آنچه در دسترس
 است، انتساب مقدمه به او محتمل تر از عدم انتساب به نظر می رسد.

۵-۲-۲. قرار داشتن در شمار راویان المزار الکبیر ابن مشهدی

المزار الکبیر نوشته محمد بن جعفر بن علی مشهدی در بردارنده بسیاری از ادعیه و زیارات است که در مواردی مانند دعای ندبه، زیارت ناحیه مقدسه و زیارت آل یاسین کهن ترین منبع شمرده می شود. در کتاب های تراجم، ابن مشهدی محدثی صدوق شمرده شده (حر عاملی، ۱۳۶۲: ۲/۲۵۳) که روایات خود را از شاذان بن جبرئیل و با دو واسطه از شیخ مفید نقل می کند (امین، ۱۴۰۳: ۹/۲۰۲).

مستند این توثیق سخنانی است که نویسنده در مقدمه کتاب آورده است: «فَإِنِّي قَدْ جَمَعْتُ فِي كِتَابِي هَذَا مِنْ فُنُونِ الزِّيَارَاتِ لِلْمَشَاهِدِ الْمَشْرِفَاتِ ... مِمَّا اتَّصَلَتْ بِهِ مِنْ ثِقَاتِ الرُّوَاةِ إِلَى السَّادَاتِ» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۲۷). این کتاب مورد اعتماد افرادی چون سید بن طاووس بوده و برخی از رجالیان به وثاقت افراد نام برده در اسناد کتاب معتقدند (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲: ۱/۶۳؛ حسینی صدر، ۱۴۳۰: ۷۷). از احمد بن هلال روایتی در بردارنده موضوعاتی چون فضیلت نیمه شعبان، شب عید فطر و شب عید قربان در المزار الکبیر ذکر شده است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۳۴۶).

موارد دیگری از توثیقات عمومی را می توان دریافت که وضعیت رجالی احمد بن هلال در چهارچوبه آن ها می گنجد. این توثیقات عبارت اند از: قرار داشتن در شمار اصحاب امامان علیهم السلام و متولی بودن راوی از ناحیه معصوم علیه السلام. اما به علت وارد شدن ذمومی درباره او از ناحیه معصوم علیه السلام نمی توان این توثیقات را به اطلاق خود باقی دانست؛ از این رو از آوردن این موارد صرف نظر می شود.

۵-۲-۳. روایتگری بزرگان و ثقات از راوی

برخی بر این باورند که اعتماد اجلای شیعه به یک راوی و نقل روایت از او نشان دهنده نیافتن وجه ضعفی در اوست (مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ۱/۹۰). برخی نیز این اماره را به قوت راوی رهنمون دانسته اند (مامقانی، ۱۴۲۸: ۲/۱۲)؛ چنان که کشتی در مدح محمد بن سنان به نقل اجلایی چون محمد بن عیسی عبیدی، محمد بن حسین بن

ابی الخطاب و ایوب بن نوح از او استناد کرده است (کشی، ۱۳۶۳: ۲/۷۹۶). افرادی چون عبدالله بن جعفر حمیری (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۴۱؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۰۲؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۶۷)، محمد بن احمد بن یحیی (صفار، ۱۴۰۴: ۱/۲۵۸، ۲۶۱؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۷/۵۵۲، ۶۰۶، ۱۸/۸، ۱۳/۱۹۷)، محمد بن همام (نعمانی، ۱۳۹۷: ۶۷) و سعد بن عبدالله اشعری (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۳/۹؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲/۳۶۲، ۳/۷۶) نیز از بزرگانی هستند که از احمد بن هلال روایت کرده‌اند.

فقیهانی نیز به علت روایتگری بزرگانی چون عبدالله بن جعفر حمیری، حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، لیث مرادی و محمد بن عیسی عبیدی از ابن هلال، او را توثیق کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۶: ۶/۵۷۴؛ حکیم، ۱۴۱۷: ۱/۳۵۰، ۲/۱۱۳). براساس دیدگاهی، نقل سعد بن عبدالله اشعری نشان‌دهنده اعتماد به راوی بوده (انصاری، ۱۴۱۵: ۱/۳۵۶؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲: ۱/۶۵) و به علت سخت‌گیری قمی‌هایی مانند او می‌توان دریافت که روایات ابن هلال نزد قداما صحیح بوده است. نقل روایت احمد بن هلال توسط افراد ثقه‌ای مانند: موسی بن حسن نیز علت اعتماد به روایات او شمرده شده است (بروجردی، ۱۳۸۸: ۳۴۹؛ همو، ۱۴۲۰: ۱/۳۷۸).

۵-۲-۴. نقل از حسن بن محبوب و ابن ابی عمیر

ابن غضائری که خود در روند بررسی احوال راویان، معیارهایی برگزیده که احتمال تضعیف را افزون می‌کند، درباره احمد بن هلال قائل به توقف شده و تنها روایات منقول او در دو کتاب مشیخه حسن بن محبوب و نوادر ابن ابی عمیر را می‌پذیرد (واسطی بغدادی، ۱۳۶۴: ۱۱۱-۱۱۲). به نظر می‌رسد عبارت «روی اکثر اُصول أصحابنا» (طوسی، ۱۴۲۰: ۸۳) این دو کتاب را دربر می‌گیرد.

حسن بن محبوب (درگذشته ۲۲۴ق) (کشی، ۱۴۰۴: ۲/۸۵۱) از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام است (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۳۴، ۳۵۴، ۳۷۹). وی یکی از ارکان اربعه شیعی در فقه و حدیث بوده (همو، ۱۴۲۰: ۱۲۲) و در شمار اصحاب اجماع نیز قرار

دارد (کشی، ۱۴۰۴: ۲/۸۳۰). ابن ندیم از ۴۲ کتاب وی نام می‌برد (ابن ندیم، بی تا: ۳۱۰). برخی از کتاب‌های حسن بن محبوب عبارت‌اند از: المشیخه، الحدود، الديات و الفرائض (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۲۲). مشیخه کتابی است در شرح حال مشایخ حدیثی و روایات آنان (طوسی، ۱۴۲۰: ۵۸؛ فضلی، ۱۴۱۴: ۳۱) که به دست داود بن کوره قمی از نظر فقهی تبویب شده است (خوئی، ۱۴۰۳: ۱۳۱/۸). با توجه به اتفاق نظر رجالیان بر وثاقت حسن بن محبوب و قرار داشتن نام او در شمار اصحاب اجماع، این دیدگاه مطرح شده که وی به جز از ثقات، حدیث نقل نکرده است (مامقانی، ۱۴۳۱: ۲۰/۳۶۰)؛ چراکه براساس عبارت «أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح من هؤلاء و تصدیقهم لما یقولون» (کشی، ۱۴۰۳: ۶۷۳/۲) می‌توان به مؤلفه‌ای فراتر از وثاقت انحصاری این افراد پی برد که در پذیرش سخنان روایی آنان نهفته است و نه انحصار در اطمینان به ثقه بودنشان. نام حسن بن محبوب در سلسله اسناد بیش از سه هزار روایت شیعی آمده است (خوئی، ۱۴۰۳: ۹۲/۵، ۳۳۲-۳۷۴). برخی معتقدند که کتاب مشیخه از همه کتاب‌های نوشته شده در عصر معصومان علیهم‌السلام مشهورتر است و با وجود اینکه صد سال پیش از غیبت نگارش یافته، در بردارنده اخباری در موضوع غیبت و ظهور امام زمان وَجَاءَ النَّبِيُّ است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱/۳۶۵). امام رضا علیه‌السلام نیز حسن بن محبوب را تأیید شده به حکمت الهی و راه یافته به خیر دانسته‌اند (همان، ۳۱۱/۸۵).

ابن ابی عمیر (درگذشته ۲۱۷ق) از اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام (علامه حلی، ۱۴۰۲: ۱۴۰) و در شمار اصحاب اجماع قرار داشته است (کشی، ۱۴۰۴: ۲/۸۳). او همچنین در میان معاصران خود به عنوان بزرگ‌ترین فقیه شمرده شده (همان، ۲/۸۵۴) و از راویان بسیار جلیل‌القدر و مورد وثوق فریقین بوده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۶؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۳). از آنجاکه پس از شهادت امام رضا علیه‌السلام و نیز زندانی شدن ابن ابی عمیر، کتاب‌های وی در معرض نابودی قرار گرفت، ناگزیر احادیثی را که در حافظه داشت، نوشت که النوادر نامیده شد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۸۷). رجالیان نام بیست کتاب از او را ذکر کرده‌اند؛ از جمله: کتاب الکفر و الإیمان، کتاب البداء، کتاب یوم و لیلته،

کتاب الصلاة و کتاب مناسک الحج (همان، ۳۲۷).

یکی از دلایل اعتماد به روایات منقول از ابن ابی عمیر و حسن بن محبوب از طریق ابن هلال، شهرت کتاب نوادر نزد قدما (مجلسی، ۱۴۱۴: ۳/۳۹۹) و نیز دریافتن روایات این کتاب توسط بسیاری از اصحاب بوده است (عبدالساده، ۱۴۳۹: ۴۳۵)؛ از این رو احتمال تغییر، تحریف، زیاده و نقیصه در کتاب توسط احمد بن هلال، قابل اعتنا نخواهد بود. روایات منقول از احمد بن هلال که از این دو تن نقل شده به شرح زیر است: نقل از محمد بن ابی عمیر (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۱۵۷؛ همو، ۱۳۸۵: ۲/۳۵۱؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱/۲۶۱؛ ۵۹۲؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۳/۶۰۶) و نقل از حسن بن محبوب (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹؛ کتبی، ۱۳۶۳: ۱/۳۵۲). بر این اساس، فقیهانی ابن هلال را توثیق کرده اند (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱/۶۴؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۳۵۵؛ نجفی، بی تا: ۱۲۳/۸؛ خوئی، ۱۴۱۸: ۲/۲۸۶؛ حکیم، ۱۴۱۷: ۱/۳۴۹).

برخی از کارشناسان حدیث نیز به جای حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال را در شمار اصحاب اجماع قرار داده اند (کتبی، ۱۳۶۳: ۲/۸۳۱) که بر این اساس، روایتگری ابن هلال از او (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۹) نیز می تواند اماره ای بر توثیق باشد.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه در پژوهش حاضر گفته شد، نتایجی به شرح زیر حاصل می شود:

۱. احمد بن هلال افزون بر شهرت به عبرتایی، به علت سکونت در محله کرخ به کرخی نیز مشهور بوده؛ از این رو انگاره عدم انطباق این دو نام بر یک شخص نادرست است. از احمد بن هلال حدود نود روایت در موضوعات فقهی، تفسیری و اعتقادی گزارش شده است.

۲. از آنجاکه ابن هلال با وکالت محمد بن عثمان عمری (نایب دوم) مخالف بوده، سه توفیق در مذمت او صادر شده؛ با این حال، میان انحراف او در موضوع وکالت نایب دوم و عدم وثاقتش رابطه معناداری وجود ندارد.

۳. انتساب احمد بن هلال به غلو و نصب به معنای اصطلاحی آن شاهد آشکاری

ندارد؛ بلکه این موضوع در نهایت ناشی از اجتهاد برخی رجالیان است که به علت حسّی نبودن، برای مجتهدی دیگر حجّیت ندارد. افزون بر این میان انتساب واقعی به این دو صفت و وثاقت ملازمه‌ای تام برقرار نیست.

۴. وجود احادیث منکر در میان اخبار منقول از ابن هلال به معنای قابل قبول نبودن برخی روایات اوست که بر اثر نقل از ضعیفان رخ داده و این امر منافاتی با وثاقت ندارد.

۵. افزون بر ترکیب «صالح الروایه» که توثیقی خاص برای عبرتایی شمرده می‌شود، توثیقات عام قابل انطباق بر او عبارت‌اند از: قرار داشتن در شمار رجال دو کتاب تفسیر قمی و المزار الکبیر و نیز روایتگری بزرگانی چون: ابن ابی عمیر و حسن بن محبوب از او.

۵. ارزیابی روایات احمد بن هلال نشان می‌دهد که با وجود فساد عقیده در پایان عمر، روایتی پس از انحراف از او نقل نشده است. طرد این شخصیت از محافل شیعی و مرگ او در کمتر از دو سال پس از انحرافش این مدعا را تقویت می‌کند.

منابع

۱. آملی، محمدتقی، مصباح الهدی، مکتبه ولی العصر عنه‌السلام، تهران، ۱۳۶۱ش.
۲. آملی، هاشم، المعالم المأثوره، تألیف: محمد علی الإسماعیل پور القمشه‌ای، قم، بی‌تا.
۳. ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی للفتاوی، اسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الإمامة والتبصرة من الحیرة، مدرسة الإمام المهدي عنه‌السلام، قم، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال، دار الشریف الرضی، قم، ۱۳۸۵ش.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین وتمام النعمة، اسلامی، تهران، ۱۳۹۵ق.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، اسلامی، قم، ۱۴۰۳ق.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی، المقنع، مؤسسة الإمام المهدي عنه‌السلام، قم، ۱۴۱۵ق.
۹. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۰. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، دار العلم للملایین، ۱۹۸۸م.
۱۱. ابن طاووس، سید احمد بن موسی، التحریر الطاووسی، مجمع الذخائر الإسلامية، قم، ۱۴۲۵ق.
۱۲. ابن طاووس، سید علی بن موسی، فلاح السائل، بوستان کتاب، قم، ۱۴۰۶ق.
۱۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، مکتبه المرتضویة، نجف اشرف، ۱۳۵۶ش.

۱۴. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، *المزار الكبير*، اسلامی، قم، ۱۴۱۹ق.
۱۵. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، دار المعرفة، بیروت، بی تا.
۱۶. اراکی، محمد علی، *کتاب الطهارة*، مؤسسه در راه حق، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۷. امام خمینی، سید روح الله، *کتاب الطهارة*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۰ش.
۱۸. امین، سید محسن، *أعیان الشیعة*، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۹. انصاری، مرتضی، *کتاب الطهارة*، کنگره شیخ انصاری، قم، ۱۴۱۵ق.
۲۰. بحرانی، سلیمان، *معراج أهل الكمال إلى معرفة الرجال*، تحقیق سید مهدی رجائی و عبد الزهراء عوینانی، بی جا، ۱۴۱۲ق.
۲۱. بحرانی، یوسف، *الحدائق الناضرة*، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۶۳ش.
۲۲. بروجردی، حسین، *کتاب الصلاة*، ارغوان دانش، قم، ۱۳۸۸ش.
۲۳. بستام، مرتضی، *زبدة المقال من معجم الرجال*، دار المحجة البيضاء، بیروت، ۱۴۲۶ق.
۲۴. جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز، *مقتضب الأثر*، طباطبائی، قم، بی تا.
۲۵. حر عاملی، محمد بن حسن، *أمل الآمل*، دار الكتاب الإسلامي، قم، ۱۳۶۲ش.
۲۶. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۷. حکیم، سید محمد سعید، *مصباح المنهاج: کتاب الطهارة*، مؤسسه المنار، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۲۸. حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، دار صادر، بیروت، ۱۹۹۵م.
۲۹. حمیری، محمد، *الروض المعطار فی خبر الأقطار*، مؤسسه الناصر، بیروت، ۱۹۸۰م.
۳۰. خرازی، سید محسن، *عمدة الأصول*، مؤسسه در راه حق، قم، ۱۴۲۲ق.
۳۱. خزاز رازی، علی بن احمد، *کفایة الأثر*، بیدار، قم، ۱۴۰۱ق.
۳۲. خوئی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحديث*، مدينة العلم، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۳۳. خوئی، سید ابوالقاسم، *موسوعة الإمام الخوئی*، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، قم، ۱۴۱۸ق.
۳۴. داوری، مسلم، *أصول علم الرجال بین النظرية والتطبيق*، مؤلف، قم، ۱۴۱۶ق.
۳۵. ری شهری، محمد، *دانش نامه امام مهدی علیه السلام*، دار الحديث، قم، ۱۳۹۵ش.
۳۶. زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس*، دار الفكر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۳۷. سبحانی، جعفر، *کلیات فی علم الرجال*، مرکز مدیریت حوزه قم، قم، ۱۴۱۰ق.
۳۸. سند، محمد، *بحوث فی مبانی علم الرجال*، مدین، قم، ۱۴۲۹ق.
۳۹. سیستانی، سید علی، *قاعدة لا ضرر ولا ضرار*، مکتب آية الله العظمى السيد السيستاني، قم، ۱۴۱۴ق.
۴۰. شبیری زنجانی، سید موسی، *کتاب نکاح*، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، قم، بی تا.
۴۱. شوشتری، محمد تقی، *قاموس الرجال*، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.

۴۲. صاحب، اسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، عالم الکتب، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۴۳. صدر، سید محمد، *موسوعة الإمام المهدي* عليه السلام، قدس، قم، ۱۳۸۵ش.
۴۴. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۴۵. طوسی، محمد بن الحسن، *الأملی*، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
۴۶. طوسی، محمد بن الحسن، *الإستبصار*، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ق.
۴۷. طوسی، محمد بن الحسن، *تهذیب الأحکام*، اسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۴۸. طوسی، محمد بن الحسن، *رجال الطوسی*، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۷۳ش.
۴۹. طوسی، محمد بن الحسن، *العُدّة فی أصول الفقه*، محمدتقی علاقبنديان، قم، ۱۴۱۷ق.
۵۰. طوسی، محمد بن الحسن، *الغیبة*، دار المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۱ق.
۵۱. طوسی، محمد بن الحسن، *الفهرست*، مکتبه المحقق الطباطبائی، قم، ۱۴۲۰ق.
۵۲. علامه حلی، حسن بن یوسف، *تذکرة الفقهاء*، مکتبه الرضویة، تهران، بی تا.
۵۳. علامه حلی، حسن بن یوسف، *رجال العلامة الحلی*، الشریف الرضی، قم، ۱۴۰۲ق.
۵۴. علوی گرگانی، محمد علی، *المناظر الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، فقیه اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۳۹۵ش.
۵۵. علیاری تبریزی، علی بن عبدالله، *بہجة الآمال فی شرح زیدة المقال*، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، تهران، ۱۴۱۲ق.
۵۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، ۱۴۰۹ق.
۵۷. فضلی، عبدالهادی، *أصول علم الرجال*، دار النصر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۵۸. فیض کاشانی، محمد محسن، *الوافی*، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق.
۵۹. قزوینی، آثار البلاد وأخبار العباد، نرم افزار مکتبه شامله، قسم کتب البلدان.
۶۰. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، دار الکتب، قم، ۱۴۰۴ق.
۶۱. قهپایی، عنایت الله، *مجمع الرجال*، اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴ش.
۶۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ق.
۶۳. کشی، محمد بن عمر، *إختیار معرفة الرجال*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۴ق.
۶۴. گلپایگانی، سید محمد رضا، *کتاب الطهارة*، دار القرآن الکریم، قم، بی تا.
۶۵. مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل، *منتهی المقال فی أحوال الرجال*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۶ق.
۶۶. مامقانی، عبدالله، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۳۱ق.
۶۷. مامقانی، عبدالله، *مقباس الهدایة فی علم الدراییة*، دلیل ما، قم، ۱۴۲۸ق.
۶۸. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۶۹. مجلسی، محمدتقی، *روضه المتقین*، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
۷۰. مجلسی، محمدتقی، *لوامع صاحبقرانی*، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۴ق.

۷۱. محقق داماد، محمد، کتاب الصلاة، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، بی تا.
۷۲. محقق سبزواری، محمدباقر، ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، بی تا.
۷۳. مدرسی طباطبایی، سید حسین، مکتب درقرائند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه، کویر، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۷۴. مغنیه، محمدجواد، الجوامع و الفوارق، مؤسسة عزالدین، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۷۵. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
۷۶. مقدس اردبیلی، احمد، مجمع الفائدة والبرهان، مؤسسة نشر اسلامی، قم، بی تا.
۷۷. مقدسی بشاری، محمد بن احمد، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، موقع الوراق، بیروت، بی تا.
۷۸. میرداماد، محمدباقر، الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیة، دار الخلفه، قم، ۱۳۱۱ ق.
۷۹. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، مؤسسة نشر اسلامی، قم، ۱۳۶۵ ش.
۸۰. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۸۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ش.
۸۲. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم الرجال، فرزند مؤلف، قم، ۱۴۱۲ ق.
۸۳. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
۸۴. واسطی بغدادی، احمد بن حسین، الرجال، دار الحدیث، قم، ۱۳۶۴ ش.